

تدبر در حدیث و سیره معصومین (علیهم السلام) - استاد ضرابی

بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

هفتم محرم ۱۴۴۳ مطابق با ۱۴۰۰/۵/۲۵

شهادت باب الحوائج علی اصغر امام حسین (علیه السلام)

ایام سوگواری و عزای حسینی را به پیشگاه پیامبر اسلام و اهل بیت طاهرینش بویژه به آقا و سرورمان ولی عصر و حجت حق امام زمان (علیهم السلام) که صاحب عزا هستند و همه دوستان و ارادتمندان به مکتب رسالت و ولایت تعزیت و تسلیت عرض می‌کنم. شب هفتم محرم، به نام حضرت علی اصغر منسوب است.

السَّلَامُ عَلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ الطِّفْلِ الرَّضِيعِ، الْمَرْمِيِّ الصَّرِيعِ، الْمُتَشَحِّطِ دَمًا، الْمُصْعَدِ دَمُهُ فِي السَّمَاءِ، الْمَذْبُوحِ بِالسَّهْمِ فِي حَجَرِ أَبِيهِ، لَعَنَّ اللَّهُ رَامِيَهُ حَرَمَلَةَ بَنِ كَاهِلِ الْأَسَدِيِّ وَذَوِيهِ - سلام بر عبدالله بن الحسین، کودک شیرخواره، تیر خورده، ضربت خورده، به خون تنیده، که خورش به آسمان پرتاب شد و در دامن پدرش، با تیر، سر بریده شد! خدا لعنت کند حرم‌له بن کاهل اسدی و همراهانش را که به او تیر زدند.

زخم را اینبار بر قلب پدر می‌خواستند	مادر بی تاب را بی تاب تر می‌خواستند
این هدف انگار با اهداف دیگر فرق داشت	که برایش تیر انداز قدر می‌خواستند
دشمن نام علی بودند... ورنه چله‌ها	تیرشان تک شعبه هم میشد اگر می‌خواستند

قال الحسين (عليه السلام): « هُوَ مَا نَزَلَ بِي إِنَّهُ بَعَيْنُ اللَّهِ تَعَالَى اللَّهُمَّ لَا يَكُونُ أَهْوَنَ عَلَيْكَ مِنْ فَصِيلٍ، إلهی اِنْ كُنْتَ حَبَسْتَ عَنَّا النَّصْرَ فَاجْعَلْهُ لِمَا هُوَ خَيْرٌ مِنْهُ وَانْتَقِمْ لَنَا مِنَ الظَّالِمِينَ وَاجْعَلْ مَا حَلَّ بِنَا فِي الْعَاجِلِ دَخِيرَةً لَنَا فِي الْآجِلِ - هر مصیبتی که بر من فرود آید آسان است زیرا که در محضر خداست. بارها! این بر تو کم‌بهاتر از بچه ناقة صالح نیست، معبودا! چنانچه پیروزی ما مقدر نیست آنچه در دنیا بر ما فرود آمد آن را بهترین توشه ما بساز و از ستمگران انتقام ما را بگیر. » (عوالم العلوم؛ ج ۱۷، ص ۲۸۴)

موضوع تدبر:

نور و درخشش عالمگیر هدایتی است که خداوند در صحنه شهادت علی اصغر از عمل و نیت و معرفت بنده محبوب خود اباعبدالله الحسین (علیه السلام) به جهانیان تابانده است، به راستی خداوند چه تأثیراتی در ذکر و یاد امام حسین (علیه السلام) قرار داده است؟

پاسخ:

باید اجمالا پاسخ گفت که: خداوند تأثیر یاد و ذکر حسین (ع) را در قلوب و ارواح مؤمنین کمتر از تأثیر آب برای شستشوی اجسام و ابدان قرار نداده است؛ بلکه در عالم حقیقت تأثیر آن را کمتر از خاصیت آب برای سیراب نمودن تشنگان هدایت و معنویت قرار نداد.

می‌باید در این نکته بسیار تأمل نمود که یاران صدیق و با وفای امام (ع) بیش از آنکه با قوت جسمی و دانش رزمی امامشان را یاری کنند با خلوص و صفا و طهارت باطن به او مدد می‌رسانند از این روست که حضرت علی اصغر شش ماهه هم می‌تواند سرباز پر قدرتی برای امر هدایت باشد. البته این کاری نیست که هر کودکی بتواند انجام دهد.

علی اصغر امام نیست اما فرزندی از فرزندان امام است که برای این مأموریت الهی آفریده شده و امتیازاتی ویژه این رسالت دارد؛ بنان بن نافع گفت از حضرت رضا علیه السلام پرسیدم امام بعد از شما کیست؟ «سَأَلْتُ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا ع فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَنْ صَاحِبُ الْأَمْرِ بَعْدَكَ فَقَالَ لِي يَا ابْنَ نَافِعٍ يَدْخُلُ عَلَيْكَ مِنْ هَذَا الْبَابِ مَنْ وَرِثَ مَا وَرِثَهُ ... إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَئِمَّةِ إِذَا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ يَسْمَعُ الصَّوْتِ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا فَإِذَا أَتَى لَهُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَرْبَعَةُ أَشْهُرٍ رَفَعَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ أَعْلَامَ الْأَرْضِ ...» - فرمود از این درب کسی وارد خواهد شد که وارث مقامی است که من از پدرم به ارث برده‌ام و او حجت خداست بعد از من. در همان بین که خدمتش بودم حضرت محمد بن علی جواد الائمه وارد شد همین که چشمش به من افتاد. فرمود: پسر نافع! برایت حدیثی نقل بکنم؟ ما گروه امامان وقتی در رحم مادر هستیم صدا را تا چهل روز می‌شنویم وقتی چهار ماهه شد خداوند پستی و بلندی‌های زمین را به او نشان می‌دهد که دور برایش نزدیک است چنان می‌نگرد که اگر يك قطره باران نافع یا زیان‌دار ببارد می‌بیند اینکه پرسیدی از پدرم حضرت رضا حجت و امام بعد از شما کیست. همان کسی را که او فرمود حجت و امام بر تو است. گفتیم: من اولین ستایشگر اویم. در این موقع حضرت رضا علیه السلام پیش ما آمد فرمود پسر نافع تسلیم باش اعتراف به اطاعت کن روح او روح من و روح من روح پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم است. «(مناقب آل أبي طالب ج ۴ ص ۳۸۷ و ۳۸۸)

نکته قابل تأمل دیگر اینکه: حضور دشمنان سیاه دل که همچون تاریکی مطلق اطراف چراغ پرفروغ وجود امام حسین (ع) را پوشانده‌اند، موضوع سخن نیست و حتی وجود نورانی امام و اصحاب با وفای او هم که از جان و درون و بیرون خود، نور هدایت را جهان‌گستر نموده‌اند، موضوع اصلی سخن نیست؛ چرا که همه چیز برای دست یافتن به معرفت خداست؛ ولیکن خداوند یاد و ذکر حسین (ع) را حقیقت آب حیات، برای سیراب نمودن تشنگان هدایت و معرفت قرار داد، برای نشان دادن راه به گمراهان در وادی شهوت و قدرت، برای تغذیه جن و انس، و نیز برای قوت و حیات ملائکه. اما این چگونه ممکن است؟

اولین دلیل آن سخنی است که سیدالشهداء در پاسخ به سؤال «حبيب بن مظاهر» فرمود؛ سؤال حبيب درباره اهل بیت پیش از خلقت بود، امام فرمود: «كُنَّا أَشْبَاحَ نُورٍ نَدُورُ حَوْلَ عَرْشِ الرَّحْمَنِ فَنُعَلِّمُ لِلْمَلَائِكَةِ النَّسِيبَ وَ التَّهْلِيلَ وَ التَّحْمِيدَ - ما اشباح نور بودیم که پیرامون عرش خدای سبحان طواف می‌کردیم و به فرشتگان «سبحان الله» و «لا اله الا الله» و «الحمد لله» می‌آموختیم» (بحار الانوار، ج ۵۷ ص ۳۱۱ ح ۱)

امام صادق (علیه السلام) فرموده است: «ان الملا ئكة لا يأكلون و لا يشربون و لا ينجسون، و انما يعيشون بنسيم العرش - همانا فرشتگان نه می خورند و نه می آشامند و نه از دواج می کنند، ایشان به نسیم عرش زنده اند.» (میزان الحکمه، ج ۹، ص ۱۹)

حضرت زین العابدین (علیه السلام) در کتاب شریف صحیفه سجادیه به خداوند سبحان عرضه می دارد: «و درود فرست بر اصناف گوناگون فرشتگانی که برای خود اختصاص داده ای (جز طاعت و بندگی تو کاری ندارند) و آنان را با تقدیس خود از خوردنی و آشامیدنی بی نیاز کرده ای و در درون طبقه های آسما هایت جا داده ای.» (صحیفه سجادیه، دعای سوم)

در جلد چهارم بحار الانوار مجلسی آمده، در جواب سؤال عبدالله سلام، فرمود: «طعامهم التسبیح و شراهم التهلیل - طعام آنها تسبیح خداوندی و آشامیدنی شان تهلیل الهی است» (اتحاد عاقل به معقول، ص ۴۳۷)

آنچه از این احادیث شریف فهمیده می شود این است که معلمی ملائکه و آموختن تسبیحات، به ملائکه آموختن اسماء و الفاظ نیست بلکه حقایق تسبیحات و تحمید و تهلیل است که به نسیم عرش تعبیر شده و حیات ملائکه بلکه همه سکنه آسمان و زمین از آن تأمین می شود.

حاصل مطلب این است که آنچه در عاشورا دیده می شود تفسیر همین اسماء و صفات الهی و نور معرفت خداوند و تفسیر قرآن است.

اگر بگوئیم که عاشورا عالی ترین تفسیری است که برای قرآن نگاشته شده است، دور از صواب نگفته ایم.

چرا که عاشورا آموزش توحید حقیقی است کما این که قرآن به فرموده امام خمینی (ره) آموزش توحیدات ثلاثه (افعالی، صفاتی، ذاتی) است: «... اصل مقاصد قرآن تکمیل معرفه الله و تحصیل توحیدات ثلاثه، و رابطه ما بین حق و خلق، و کیفیت سلوك الی الله، و کیفیت رجوع رقایق به حقیقه الحقایق، و معرفتی تجلیات الهیه جمعاً و تفصیلاً و فرداً و ترکیباً، و ارشاد خلق سلوكاً و تحققاً، و تعلیم عباد علماء و عملاً و عرفاناً و شهوداً (است)» (آداب الصلوة، ص ۲۹۶)

پس اکنون با این نگاه می خواهیم مصیبت شهادت علی اصغر را در یاری رساندن به امام در نمایش توحید حقیقی (گذشتن از همه چیز در راه خدا) و به نیت فهم تفسیر آیات قرآن مرور کنیم: «أعوذ بالله من الشیطان الرجیم، أم حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ ءَايَاتِنَا عَجَبًا»

وقتی که ندای «هل من ذاب یذب عن حرم رسول الله» به گوش بانوان حرم رسید، صدای گریه و شیون آنها بلند شد، امام کنار خیمه آمد و به حضرت زینب (سلام الله علیها) فرمود: «ناولونی علیاً ابْنی الطُّفْلَ حَتَّى أُودَّعَهُ - پسر من علی را به من دهید تا برای آخرین بار او را ببینم و با او وداع کنم.» هنگامی که امام (علیه السلام) علی اصغر را در بغل داشت، خواست که او را ببوسد که حرمله ملعون تیری افکند و بر گلولی کودک نشست و کودک را در آغوش پدر به شهادت رساند. (تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۴۵)

سید حیدر حلّی گوید: «و منعطفاً هوی لتقبیل طفله فقبل منه قبله السهم منحراً - امام حسین (علیه السلام) برای بوسیدن کودک شیرخوار خود خم شد، اما تیر قبل از امام بر گلوگاه او بوسه داد.» امام آن کودک را به زینب (علیها السلام) داد فرمود: او را نگهدار، و دستش را زیر گلولی کودک گرفت، پر از خون

شد، آن خون را به طرف آسمان پاشید و گفت: «هون ما نزل بی انه بعین الله تعالی - چون خداوند این منظره را می‌بیند، آنچه از این مصیبت بر من وارد شد برایم آسان است» (اللهوف فی قتلی الطفوف، ص ۶۹۸)

پس حسین (علیه‌السلام) خون او را گرفت و جمع کرد و به آسمان پرتاب کرد و قطره‌ای از آن بر زمین نریخت. امام باقر (علیه‌السلام) فرمود: اگر قطره‌ای از آن خون بر زمین می‌ریخت، عذاب نازل می‌شد. (تسمیة من قتل مع الحسین، ص ۲۴۴)

روایت دیگر درباره نحوه شهادت علی اصغر (علیه‌السلام) این است که آن طفل نازنین در میدان جنگ و بر روی دستان مبارک سید الشهداء (علیه‌السلام) به شهادت رسیده است، نه در کنار خیمه‌گا، برخی منابع تاریخی چنین گزارش کرده‌اند که: هنگام وداع امام با خانواده، ام کلثوم از امام حسین (علیه‌السلام) درخواست کرد که اگر ممکن است برای علی اصغر (علیه‌السلام) شربتی آب طلب کند. امام کودک شش ماهه را به آغوش کشیده و به سوی لشکر کوفه آورد و فرمود: «یا قَوْمُ قَدْ قَتَلْتُمْ أَخِي وَ أَوْلَادِي وَ أَنْصَارِي، وَ مَا بَقِيَ غَيْرَ هَذَا الطِّفْلِ وَ هُوَ يَنْتَلِظِي عَطْشًا مِنْ غَيْرِ ذَنْبٍ أَتَاهُ إِلَيْكُمْ فَاسْقُوهُ شَرْبَةً مِنَ الْمَاءِ - ای مردم! شما برادرم، فرزندانم و یارانم را کشتید و به غیر از این کودک کسی نمانده است. او از تشنگی می‌سوزد در حالی که هیچ گناهی ندارد. او را با جرعه‌ای آب سیراب سازید.» و در عبارتی دیگر فرمود: «إِنَّ لَمْ تَرْحَمُونِي فَأَرْحَمُوا هَذَا الطِّفْلَ - اگر به من رحم نمی‌کنید به این کودک بی‌گناه رحم کنید.» (تذكرة الخواص، ج ۱، ص ۲۲۷) در همان لحظه که امام مشغول صحبت بود، به دستور عمر سعد، حرمله بن کاهل اسدی با تیری گلولی علی اصغر را نشانه گرفت و گوش تا گوش گلولی آن کودک را شکافت. امام کف دست خود را از خون علی پر کرد و به سوی آسمان انداخت و فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ عَلَى هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ فَإِنَّهُمْ نَذَرُوا أَنْ لَا يَنْزِلُكَ أَحَدًا مِنْ ذُرِّيَةِ نَبِيِّكَ - خدایا تو را شاهد می‌گیرم که این مردم قصد کرده‌اند از فرزندان پیامبرت حتی یک نفر را هم زنده نگذارند.» مصیبت چنان سوزناک بود که امام با چشمانی اشکبار به پیشگاه خداوند عرضه داشت: «اللَّهُمَّ احْكُم بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمٍ دَعَوْنَا لِيُنْصِرُونَا فَفَتَلُونَا - خدایا بین ما و مردمی که ما را دعوت کرده‌اند تا یاریمان کنند، اما ما را می‌کشند، خودت داوری کن!» (تاریخ الامم و الملوك، ج ۵، ص ۳۸۹)

اصغر سر آورد، ارباب ذبح اکبرش را اصغر آورد
بر روی دستش مبعث شده، یعنی خدا پیغمبر آورد
این دفعه آقا همراه خود، یک طفل نه یک لشکر آورد
در حرف آخر او، اولین سرباز خود را آخر آورد
زیر عبایش مسجد، به همراه خودش یک منبر آورد
در مجلس تیر و اعطسه روضه، از لهوف حنجر آورد
سهم گلو شد آن تیر که، عباس را از پا در آورد
یعنی سه شعبه هی خنجر و، هی خنجر و هی خنجر آورد
یعنی سه شعبه شمر و، سنان و زجر را زجر آور آورد
یعنی سه شعبه با خویش، گوش و گوشوار و معجر آورد
یعنی سه شعبه مثل سنان، هی نیزه را بالاتر آورد
یعنی سه شعبه شمری شدو آخر چکمه را از پا در آورد

یعنی سه شعبه شد ساربان انگشت با انگشتر آورد
یعنی سه شعبه خولی شد و، همراه سر خاکستر آورد

وصلی الله علی محمد و آله محمد